

سخنرانی تاریخی امام (ره) درباره کاپیتولاسیون



4 آبان سال 1343 امام خمینی (رض) در سخنانی خطاب به روحانیون و ملت ایران مخالفت خود را با لایحه کاپیتولاسیون ابراز و تاکید کردند: «اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد.»

4 آبان سال 1343 امام خمینی (رض) در سخنانی خطاب به روحانیون و ملت ایران مخالفت خود را با لایحه کاپیتولاسیون ابراز و تاکید کردند: «اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد.»
 سرویس تاریخ خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، همزمان با 4 آبان متن کامل سخنان تاریخی امام (ره) درباره لایحه کاپیتولاسیون را منتشر کرده، که به این شرح است :

بسم الله الرحمن الرحيم

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟ قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم؟ ایران را از عقب افتاده ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود؟ حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین تصویبنامه دولت سابق، با پیشنهاد دولت حاضر، بدون اطلاع ملت، با چند ساعت صحبت‌های سری، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت امریکایی‌ها قرار داد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیر نظامی امریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند؛ پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند. چرا؟ برای آنکه امریکا مملکت دلار است، و دولت ایران محتاج به دلار!

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار امریکایی یا یک خادم مستشار امریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران، هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد؛ محاکم ایران حق رسیدگی ندارد. ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند؛ دادگاه باید رسیدگی نماید!

امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت، خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن 2500 ساله، با لاف همردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین ترین و موهنترین تصویبنامه غلط دولتهای بی‌حیثیت رأی می‌دهد، و ملت شریف ایران را پست ترین و عقب افتاده ترین ملل به عالم معرفی می‌کند؛ و با سرافرازی هر چه تامتر دولت از تصویبنامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رأی می‌دهد. از بعض منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی، پیشنهاد کرده‌اند، و هیچ کدام زیر بار این اسارت نرفته‌اند. تنها دولت ایران است که این قدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند و آن را به باد فنا می‌دهد.

علما و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت نکند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها نمایند. چرا وکلای پارلمان، با آنکه به حسب قاعده انسانیت و ملیت با همچو سند اسارتی صد در صد مخالف هستند، نفس نمی‌کشند؛ و جز دو- سه نفر آنها، که معلوم است با اضطراب صحبت کرده‌اند، خاموش نشسته‌اند؟ برای آنکه اتکا به ملت ندارند، دست نشانده هستند، و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون می‌ریزند؛ به زندان می‌اندازند

آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید، 171#& سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم؛ یاد کرده‌اند؟ این همان خطری است که کراراً تذکر داده‌ام: خطر برای قرآن مجید؛ برای اسلام عزیز؛ خطر برای مملکت اسلام؛ خطر برای استقلال کشور من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که این قدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد؛ اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود. جدا بودن ملت از هیأت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبتها را پیش می‌آورد.

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است.

وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد.

دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از امریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. اجانبند که مخازن پر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد. اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا در آوردند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال امریکا و عمال آن. امریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. امریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند. امریکاست که وکلا را، یا بیواسطه یا با واسطه، بر ملت ایران تحمیل می‌کند. امریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند، و می‌خواهد آنها را از جلو خود بردارد. امریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند، و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. امریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویبنامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. امریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند. بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها، به هر وسیله هست، بخواهند این سند استعمار را پاره کنند؛ این دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند. بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند. بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند. بر فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علمای اعلام بخواهند که سکوت را بشکنند. بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند. بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند. بر خطبا و وعاظ است که با بیان محکم، بی‌هراس، بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند. بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند. بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند. بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند، و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند. بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود، بزدایند. و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده، و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند. بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده آگاه نمایند. بر احزاب سیاسی است در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند.

هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند، یکی است. و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است. اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست. اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد، مثل سایر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده‌اند با سمپاشیها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جهال متعصب به قصد شوم خود برسند، خطا کرده‌اند. این جانب، که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچکترین افراد تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام- کثر الله أمثالهم. لازم است جوانهای متعصب و طلاب تازه کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند؛ و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشتت و تفرقه است خودداری نمایند. علمای اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی‌نظمیها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولتها مجال فکر به ما بدهند؛ اگر گرفتاریهایی که از ناحیه هیأت حاکمه پیش می‌آید و ناراحتیهای روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد. این نحو گرفتاریهاست که ما را از مسیر خود، که مسیر تصفیه حوزه‌ها و اصلاح همه جانبه است، بازمی‌دارد. با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم، برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده. اهمیت این موضوعات به قدری است که مشاغل خاص ما را تحت الشعاع قرار داده است.

آیا ملت مسلمان می‌داند که در حال حاضر عده‌ای از علما و مبلغین و طلاب و بسیاری از مسلمین بیگانه در زندانها به سر می‌برند، و بر خلاف قوانین آنها را بدون رسیدگی مدتهای مدیدی زندانی کرده‌اند؟ و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی قرون وسطایی خاتمه دهد. اینها دنبال قتل عام 15 خرداد، 12 محرم، است که جراحت آن از قلب ملت پاک نخواهد شد. هیأت حاکمه به جای اینکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگیهای بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی‌خانمانها، برای پیدا کردن کار برای جوانان فارغ التحصیل و سایر طبقات بیچاره، فکری بکنند، به کارهای مخرب، مثل آنچه گفته شد و نظایر آن، دست می‌زند؛ از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای پسرانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه، که فساد آن بر همه روشن است] و اصرار به آنکه زنها در دستگاههای دولتی وارد شوند، که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است. امروز اقتصاد ایران به دست امریکا و اسرائیل است؛ و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است، و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است؛ و اصلاحات آقایان، بازار سیاه برای امریکا و اسرائیل درست کرده است؛ و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد.

من از فکر زمستان امسال رنج می‌برم. من شدت گرسنگی و خدای نخواسته هلاکت بسیاری از فقرا و مستمندان را پیش‌بینی می‌کنم. لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند. لازم است از حالا برای زمستان آنها تهیه‌ای شود که فجایع سال سابق تکرار نشود. لازم است علمای اعلام بلاد، مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند.

از خدای متعال عظمت اسلام و مسلمین و رهایی دول اسلامی را از شرّ اجانب- خذلهم الله تعالی خواستار است. و السلام علی من اتبع

الهدى.

روح الله الموسوي الخميني
صحيفه امام، ج 1، ص 409